

اصالت پیشوایی و کرامت حضرت زهرا بر زنان عالم با تکیه بر واژه راکعین*

اکرم فاضلی بیابانکی^۱ / دکتر محسن احتشامی نیا^۲ / دکتر عبدالمجید طالب تاش^۳

چکیده

بانوان جهان امروز به دلیل گم کردن خود حقیقی و جایگاه ارزشی شخصیتی، دچار بی‌هویتی شده و برای بدست آوردن کرامت و معصومیت از دست رفته خود به دنبال الگوها و مکاتب بشری سرگردانند. شناخت الگویی کامل، کریم و واحد در همه ابعاد وجودی و زندگانی، برای بانوان امروز به منظور حفظ عزت نفس و شرافت از دست رفته خود و حفظ جامعه بشری از غرق شدن در انحرافات امری حیاتی است. قرآن کریم حضرت مریم را که مورد قبول ادیان یهود و مسیح است، الگوی زنان عالم معرفی نموده است. در حالی که با استناد به آیه شریفه (آل عمران/ ۴۳) و یافتن مصادیق راکعین، با روش تحقیق موضوعی و تحلیل آياتی که واژه رکوع و مشتقات آن را در بردارد ثابت می‌شود حضرت مریم با تمام صفات عالی و برگزیده که برای او ذکر شده بنا بر دستور الهی موظف است به حضرت زهرا به عنوان انسان کامل و کریم در همه ابعاد زندگی اقتدا کند و پیشوای خود قرار دهد. این ادعا با بیان بعضی کرامات دویانو تثبیت می‌شود. بدین ترتیب حضرت زهرا بر اساس دستور الهی به عنوان الگویی واحد و کریم برای تمام بانوان معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: پیشوا، کرامت، حضرت زهرا، مریم مقدس، راکعین.

* دریافت: ۱۴۰۱/ ۸/ ۱؛ پذیرش: ۱۴۰۲/ ۳/ ۱۷.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

akramfazelibabaki@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

m. ehtshaminia@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. talebtash@yahoo.com

۱. طرح مسأله

هر انسانی که جویای کرامت و پیشرفت همه جانبه در مسیر تکامل انسانی است، نیازمند الگویی کریم و تکامل یافته در همه ابعاد وجودی است تا از اعمال و رفتار او سرمشق بگیرد و شخصیت خود را مطابق آن الگو بسازد. در انتخاب الگوی مناسب خصیصه کمال‌گرایی، انسان را از درون به حرکت وامی‌دارد تا خود را به کسانی که مظهر کمالات هستند نزدیک کند و صفات ایشان را اقتباس کرده و آنها را در شخصیت خود جذب نماید (شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۹، ۱۹)؛ انسان کاملی که استعدادهای خدادادی در وجودش به عنوان خلیفه الله و ثمره خلقت به فعلیت تمام رسیده است. یکی از این استعدادها کرامت‌طلبی و عزت نفس است. از دلایل استمرار امامت و خالی نبودن زمین از حجت و انسان کامل در همین نهفته است که آدمی با اقتدا به سیمای فکری و اعتقادی، علمی و عملی و اخلاقی آنان درس فضیلت بیاموزد و راه عزت نفس و سعادت دنیا و آخرت خویش را بیابد.

اما چگونه می‌توان بهترین الگورا شناخت؟ و یک الگوی کامل و کریم برای بانوان، دارای چه خصوصیتی است؟ مسلماً استناد به قرآن کریم با توجه به عدم تحریف، و میزان اعتبار آن در بین مذاهب مختلف اسلامی و حتی غیرمسلمانان، بهترین روش برای انتخاب الگو و پیشواست. والاترین بانویی که در قرآن کریم به عنوان باکرامت‌ترین زنان و الگویی نیک از او نام برده شده، مریم مقدس است (التحریم/۱۲) ایشان به درجه‌ای از کرامت و بندگی حق رسید که خدای تعالی او را بر زنان عالم برگزید. (آل عمران/۴۲) اما از زندگی فردی و اجتماعی آن حضرت مطلب چندانی در دسترس نیست. از جهتی، بنابراین روایات نبوی حضرت زهرا علیها السلام برترین زنان دو عالم است؛ بانویی که دارای کرامت و تکامل در تمام عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است. هرچند نام آن حضرت بنابر حکمت الهی در قرآن ذکر نشده، اما آیات فراوانی در شأن ایشان وجود دارد که اثبات می‌کند حضرت زهرا علیها السلام پیشوا و مقتدای تمام زنان جهان، حتی حضرت مریم است. البته کتابها و مقالات فراوانی در مورد شخصیت مریم مقدس و مقایسه ایشان با حضرت

زهررا نوشته شده، اما در این میان آیه‌ای که اقتدای مریم مقدس به حضرت زهرا را بیان می‌فرماید، تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. بر اساس آیه شریفه (آل عمران/ ۴۳) می‌توان ثابت کرد حضرت زهرا علیها السلام پیشوا و الگوی مریم مقدس بوده است. این نوشتار بر آن است تا با استناد به آیه شریفه و عبارت: «...وَأَرْكَبِي مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ» (آل عمران/ ۴۳) و تحقیق و بررسی واژه «راکعین» در کل قرآن باروش تحقیق موضوعی قرآن، «سیده نساء العالمین من الاولین و الآخِرین» بودن حضرت زهرا علیها السلام و پیشوایی اونسبت به مریم مقدس را در قرآن کریم به اثبات برساند. علاوه بر آن ثابت شود حضرت زهرا باحفظ کرامت و عزت نفس در اعلی درجه آن، در جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی فعالیت داشت. در صورت اثبات این ادعا، حضرت زهرا به عنوان الگویی برای تمام بانوان، اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان شناخته می‌شود.

ضرورت این بحث زمانی کاملاً ملموس است که دیده می‌شود زن امروز به دلیل نداشتن الگویی کامل و جامع در ابعاد مختلف زندگی، دچار بی‌هویتی شده. او بیشتر از آنکه بخواهد در قوانین بشری دنبال عزت نفس و حقوق از دست رفته خود بگردد، نیاز به الگویی بی‌بدیل و کریم دارد تا با تأسی از او بتواند در جامعه، در عین فعال بودن نه منفعل و بی‌اراده، باحفظ حرمت و عزت نفس زندگی کند. در جامعه مسیحیت، کلیسا با توصیفات هم‌چون بکارت و پاکی و معراج حضرت مریم، می‌کوشد چهره ممتاز این بانوی مقدس را ترسیم کند. اما آن چه از خود اناجیل^۱ در مورد شخصیت ایشان قابل برداشت است، با آن چه از تعالیم ارباب کلیسا دست می‌دهد، تا حدودی متفاوت است. در جامعه مسیحیت گروهی از بانوان که آن حضرت را پیشوای خود دانسته‌اند، رهبانیت و زندگی مجردی در کلیساها را برگزیده‌اند. با این اوصاف جامعه مسیحیت از داشتن الگویی کامل در عرصه‌های مختلف محروم مانده است. هر چند حضرت زهرا نیز در بین بعضی مذاهب اسلامی به دلایل مختلف ناشناخته است.

۱. انجیل متی، ۱: ۱۸، ۱۲ و ۴۶، انجیل مرقس، ۳: ۳۱، انجیل لوقا، ۱: ۲۶، ۲: ۴، ۸: ۱۹، انجیل یوحنا، ۲:

در مورد پیشینه تحقیق؛ در ذیل آیه مبارکه (آل عمران/۴۲)، مفسران بحث‌های تفسیری و روایی فراوانی مبنی بر برتری حضرت فاطمه یا حضرت مریم نموده‌اند، بعضی معتقد به برتری حضرت مریم هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۱۸/۸) و حتی قائل به مقام نبوت برای ایشان هستند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۸۳/۴)، اما برخی قائل به برتری حضرت زهرا بر تمام زنان هستند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵۱/۲) و وجه اصطفا‌ی مریم بر دیگر بانوان را تنها در زایمان خاص وی می‌دانند و معتقدند واژه عالمین مطلق است و مختص زمان خاصی نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۸۹/۳)، اما هیچ یک از مفسران شیعه و سنی به مصادیق راکعین نپرداخته‌اند.

پیشینه پژوهش: مقاله «تخصیص عمومیت واژه العالمین در برگزیدگی حضرت مریم»
 (احسان پوراسماعیل، بانوان شیعه، سال هفتم، ۱۳۸۹، شماره ۲۴) که برای اثبات به بررسی روایات شیعه و سنی و واژه "العالمین" در قرآن پرداخته و در صدد اختصاص دادن این واژه به زمان زندگانی حضرت مریم است. مقاله: «شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت» (محمد یعقوب بشوی، طلوع نور، بهار ۱۳۸۶، شماره ۲۱) که شخصیت و فضائل حضرت را بر اساس برخی آیات و سوره و روایات معتبر اهل سنت بیان می‌دارد و آیات را از لحاظ اسباب نزول، شأن نزول، جری و تطبیق و بطن بررسی کرده ولی هیچ اشاره‌ای به آیه (آل عمران/۴۳) و توصیف کرامت حضرت زهرا نمی‌کند. مقاله: «نقد و معرفی بانوی برتر» (محمد مرادی، بینات، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴) با بررسی تعدادی از تفاسیر اهل سنت و بیان برخی دیدگاه‌های آنان در آیاتی جز آیات مشهور، برتری حضرت زهرا را ثابت کرده و با اینکه نگاهی به آیه ۴۲/ آل عمران دارد، اما به بیان مصداق راکعین نپرداخته است. البته به ندرت، بعضی نگارندگان نگاهی گذرا و شاید با تردید بر مصادیق راکعین داشته‌اند.

بر اساس بررسی به عمل آمده پیرامون این مسئله، می‌توان اذعان داشت تاکنون پژوهش مستقلی در این آیه انجام نشده است. البته تحقیقات پیشین به کامل بودن حضرت زهرا علیها السلام در تمام عرصه‌های زندگی نسبت به مریم مقدس اذعان داشته‌اند، اما هیچ یک در

مورد اقتدای حضرت مریم به حضرت زهرا علیها السلام بنا بر دستور الهی سخنی نگفته‌اند. برای اثبات این ادعا لازم است؛ آیاتی را که در آن واژه "رکوع" و "راکعین" وجود دارد، به ترتیب از انتهای قرآن تحلیل و تدبر کرد تا به دست‌آید مصادیق "راکعین" در آیه: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/۴۳) چه کسانی هستند^۱. باید در نظر داشت که در سیاق آیه به نشان و صفات راکعین هیچ اشاره‌ای نشده‌است. در این نوشتار به این سوالات پاسخ داده می‌شود که؛ راکعین چه کسانی بودند؟ و حضرت مریم دارای چه کمالات و کراماتی بود که به مقام «اصْطَفَاكِ عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» رسید و با این اوصاف چرا همچنان باید به دستور الهی به "راکعین" اقتدا نماید؟ و کرامت حضرت زهرا در چیست و چه برتری بر شأن و کرامت مریم مقدس دارد؟ بدین سان، پیشوایی حضرت زهرا نسبت به حضرت مریم به اثبات می‌رسد.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. پیشوا: هم معنای امام، مقتدا، اسوه و رهبر است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل واژه) امام، یعنی کسی که از وی پیروی و به وی اقتدا شود، خواه انسان باشد یا غیر آن، چه بر حق باشد و چه بر باطل. (راغب ۱۴۱۲ق، ۸۷) امام حق، هدایت‌کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد هدایت می‌کند. پس امامت از نظر باطن یک نحوه ولایت است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایتش صرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه نیست، بلکه دست خلق گرفتن و به مقصد رساندن است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱/۲۷۴) امام و پیشوا باید ذاتاً سعید و پاک و معصوم باشد. (یونس/۳۵) و راه یافته‌ای است که خود نیاز به هدایت ندارد. پس هر کس که کوچکترین ظلم و معصیت و شرکی از او صادر شده باشد، در هر مرحله از عمرش باشد، به درجه امامت نائل نمی‌گردد.

۲-۲. کرامت: در کرامت دو معنی وجود دارد؛ جلالت و شکوه، احسان بخشی (راغب/۷۰۷) کرم در شخص بنفسه و ذاتی وجود دارد. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۷/۱۱۳) و مقابل

۱. برای اطلاع بیشتر، ر. ک؛ محمدعلی لسانی، حسین مرادی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قلم مهر، ۱۳۸۵.

پستی است. کرامت، عزت و برتری در نفس چیزی است، در حالی که در آن استعلاء نسبت به گیری که او کمتر از آن باشد، لحاظ نمی‌شود. اما مفاهیم؛ جود، سخاء، اعطاء، صفح، عظم، نزه، مرضی و محمود بودن شیء، حَسَن، مصون یا غیرلثیم بودن از آثار و لوازم آن است. بنده زمانی از صفت کریم خدای تعالی بهره می‌برد که منزه از پستی‌ها و ذلت مادی و روحانی باشد و متفوق در نفس و عزیز در باطن خود باشد. مکرمین در مقامی سیرمی‌کنند که در حیاتشان غیر آنچه خدای تعالی امر کرده و عملی خلاف آنچه امر شدند، نیست. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۵۳/۱۰) در این میان تنها انسانهایی کرامت کسب می‌کنند، که دارای جهان بینی صحیح باشند و استعدادهای خدادادی خویش را، برای کسب کمالات انسانی به‌کار گیرند.

۲-۳. رکوع: هر نوع خمیدگی را رکوع می‌گویند. (جوهری، ۱۳۷۶، ۱۲۲۲/۳) به هر چیزی یا کسی که به روافتا شده باشد، چه زانوانش به زمین برسد یا نه و بعد از این که سرش را پایین آورد، راکع گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۰۰/۱) به طوری که "راکع" یعنی "منحنی" و "رکوع" برابر است با "انحناء". (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳۳/۸) سپس کلام تحوّل یافته و اساساً به نمازگزار، راکع گفته شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۳۶/۲) و استعمال آن در معنای "خضوع" نیز مجاز شمرده می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۱۲۰/۳) رکوع را به سه نوع؛ ظاهری، روحانی و جامع قسمت کرده‌اند. (مصطفوی، ۲۳۰/۴) پس رکوع نوعی تعظیم برای تواضع است که در اسلام به عنوان یک عمل خاص در نماز شمرده می‌شود و جزء شعائر و نسک اسلامی محسوب می‌شود. اما در "قاموس کتاب مقدس" و "دائرةالمعارف بزرگ کتاب مقدس" رکوع به عنوان جزئی از نماز در آیین یهود وجود ندارد و عبادات آنها به شکل ایستاده یا نشسته که بیشتر حالت دعا دارد، انجام می‌شود. اما باین همه با توجه به دستوراتی که خدای تعالی به حضرت ابراهیم (حج/۲۲) و حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ (آل عمران/۴۳) داده است، به نظر می‌رسد ایشان با واژه رکوع آشنا بوده‌اند.

۲-۴. معیت: "مع" در لغت، مصاحبت و همراهی است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۱۱۰/۱) که اقتضای نصرت و یاری دارد. (راغب، ۷۷۶) در قرآن در اکثر موارد در معنای اصلی بکاررفته

که در سه نوع مطلق، مطلوب و نامطلوب، نمود پیدا کرده است. از نمونه‌های همراهی مطلوب، همراهی مؤمنان با پیامبر در نماز خوف (نساء/۱۰۲) که از نوع معیت در آیه (آل عمران/۴۳) است و این معیت به «نحو اقتدا» (طباطبایی، ۶۲/۵) است.

۳. مصادیق راکعین در قرآن کریم

برای اثبات پیشوایی حضرت زهرا علیها السلام لازم است مصادیق حقیقی راکعین در عبارت «... وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/۴۳) بیان شود، برای این منظور باید آیاتی که دارای واژه "رکوع" و مشتقات آن هستند، با روش تحقیق موضوعی تحلیل و توصیف شوند. بدین‌روی آیات قرآن بر اساس جدول ذیل مورد بررسی قرارگرفت؛

جدول آیات

شماره ردیف	شماره سوره و آیه	نام سوره	عبارت قرآنی	شماره آیات سیاق	تعداد آیات سیاق
۱	۴۸/۷۷	المرسلات	ارْكَعُوا لِارْكَعُونَ	۵۰	۴۱
۲	۲۹/۴۸	الفتح	رُكَّعًا سُجَّدًا	۳	۲۹
۳	۲۴/۳۸	ص	وَخَرَّ رَاكِعًا	۱۲	۱۵
۴	۷۷/۲۲	الحج	ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا	۷	۷۳
۵	۲۶/۲۲	الحج	وَ الرُّكُوعِ السُّجُودِ	۸	۲۶
۶	۱۱۲/۹	التوبه	الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ	۸	۱۱۱
۷	۵۵/۵	المائده	وَهُمْ رَاكِعُونَ	۶	۵۱
۸	۴۳/۳	آل عمران	وَالرَّكْعِي مَعَ الرَّكْعِينَ	۱۳	۴۲
۹	۱۲۵/۲	البقره	وَالرُّكُوعِ السُّجُودِ	۸	۱۲۲
۱۰	۴۳/۲	البقره	وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ	۷	۴۰
			جمع آیات	۸۲	

در این بررسی، ابتدا غیر راکعین «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (المرسلات/۴۸) از دایره بحث خارج می‌شوند. دستور به رکوع، یابه معنی تواضع و خشوع در برابر معبود و اوامر و نواهی اوست (آلوسی، ۱۹۷/۱۵) یا مراد نماز است. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۴۳۵/۵؛ صاوی، ۱۴۲۷ق، ۳۱۱/۱۴) در هر صورت با توجه به فعل مضارع «لایرکعون» و تکرار جمله «ویل للمکذبین» در سوره، بدست می‌آید که اینان همواره عالم غیب را انکار می‌کنند و اهل تقوا و احسان نیستند. (المرسلات

۴۴/۴۶) به دلیل غرور و تکبر و در نتیجه آن عناد و لجاج، اهل تسلیم و تواضع نیستند و به جهت اعمال و عقایدشان از دایره رکوع کنندگان خارج می‌شوند.

اما در مقابل، کسانی هستند که دائم در حال رکوع و سجودند (الفتح/۲۹). اینان یاران و همراهان رسول خدا در هر زمان اند که همواره در خشوع و خضوع و نماز هستند. نقل شده است که رسول خدا با سپاهیان هرگاه برفرازی می‌رسیدند، هنگام صعود، "الله اکبر" و هنگام هبوط، "سبحان الله" می‌گفتند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش، ۱۱/۳۸) آثار این همه در رخسار و اعمال آنان نمایان است. آیه شریفه در صدد توصیف مؤمنان به رسول خدا است، که "شدت" و "رحمت" و صفت متضاد، از صفات ایشان شمرده شده (طباطبایی، ۲۹۹/۱۸) و خشم و خشنودی آنان همواره برای خداست. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۷/۱۰۲) تعبیر «والذین معه» سخن از همراهی در فکر و عقیده و اخلاق و عمل و گفتار است و مختص کسانی نیست که همزمان با ایشان بودند. (مکارم، ۱۳۷۱ش، ۲۲/۱۱۵) همچنین معیت و بیعت موجب می‌شود که بیعت کننده کیفیت بیعت شونده را به خود بگیرد و بر حسب نفس و فعلیت اخیر صورت نازله‌ای از بیعت شونده را پیدا کند. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ۴/۹۹) صفاتی را که خدای تعالی برای مومنان بیان فرموده، درجه‌اعلای آن متصف به پیامبرگرمی است. و آنان که همواره از همه جهت در معیت ایشان بودند؛ حضرت علی و حضرت فاطمه علیها السلام هستند.

اما آنچه در این مبحث اهمیت دارد؛ توصیف این را کعبین است که در تورات و انجیل به طور جداگانه آمده است: «ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاَهُ...» (الفتح/۲۹) اوصاف آنان در تورات، اوصافی است که ابعاد وجود آنها را از نظر عواطف و اهداف و اعمال و صورت ظاهری بیان می‌کند و اوصافی که در انجیل آمده، بیانگر حرکت و رشد آنها در جنبه‌های مختلف است. (مکارم، ۲۲/۱۲۵) سلیم بن قیس هلالی در روایتی طولانی از ملاقات راهب مسیحی با امیرالمومنین علیه السلام در راه صفین، نقل می‌کند که نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله با تمام خصوصیات ظاهری و باطنی و رسالتش و همچنین جانشینان آن حضرت، با خصوصیات کامل و نام غاصبان حکومت ایشان و دشمنان آن حضرت، در کتاب حضرت عیسی علیه السلام آمده است. (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۲/۷۰۵) اما در کتاب مقدس که

امروز به دست یهودیان و مسیحیان است، کلامی به صراحت درباره اهل بیت و جانشینان دوازده‌گانه پیامبر اسلام وجود ندارد. فقط این مورد در تورات می‌تواند اشاره‌ای بر این مطلب باشد: خداوند به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «اما درباره اسماعیل تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس (امیر) از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.» (سفر پیدایش، باب ۱۷، جمله ۲۲) دلالت جمله بر دوازده امیری قابل انطباق است که قرن‌ها بعد، از میان فرزندان اسماعیل به وجود می‌آیند. بنابراین جمله تورات اشاره بر اهل بیت دوازده‌گانه رسول خدا دارد؛ هر چند در انجیل موجود، مطلبی که اشاره‌ای بر این موضوع باشد، دیده نمی‌شود.

در آیه شریفه، مصداق راکعین؛ حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و کسانی که همراه و شبیه‌ترین از نظرایمان و تقوا و عمل صالح به ایشان و نمونه کامل تبری و تولی هستند، به طوری که آثار ایمان و تقوای آنها در رخسارشان نمایان نام و وصف ایشان در کتب انبیاء پیشین آمده است.

در سوره حج نیز خدای تعالی به مومنان امر به رکوع می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا...» (الحج/ ۷۷) در سیاق آیه به خوبی صفات راکعین و ساجدین بیان شده و تمام عبارات گواه بر این است که آیه در حق حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان پاکش نازل شده است؛ در عبارت: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» جهاد را مطلق آورده و این در طاق هر کسی نیست. حق جهاد خدا، یعنی هیچ انانیتی از عبد باقی نماند. بنابراین خطاب در مرتبه اول، به اهل بیت پیامبر است. «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ» همان‌طور که در همه تفاسیر آمده است از لحاظ نسبی حضرت ابراهیم و اسماعیل پدران حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان هستند و: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» این عبارات همه دلالت بر اختصاص آیه برائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام دارد، زیرا کسی می‌تواند شاهد و گواه بر اعمال دیگران باشد که خود اهل گناه نباشد و همه آنچه را که باعث ضلالت و تباهی مردم می‌شود، بشناسد. «وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ» یعنی با اعتصام به ولایت، تمسک به خدا جوئید و مقصود، تمسک جستن به جانشینان خدا و به طریق خداست که همان طریق ولایت است. (سلطان علی شاه،

۱۴۰۸ق، ۷۸/۳) طباطبایی نیز معتقد است؛ کلمات اجتناب، اسلام، شهادت و اعتصام در آیه به گونه‌ای نیست که شامل همه مسلمین شود و به طور قطع، معنای حقیقی این کلمات مورد نظر است و نسبت دادن به همه امت، از باب مجاز و توسع است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۴۱۳/۱۴) که در میان امت افرادی وجود دارد که دارای این صفات باشند.

از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است: «(وقتی آیه نازل شد) سلمان به پا خاست و عرض کرد: یا رسول الله، اینان چه کسانی اند که تو بر آنان شهادی و آنان بر مردم شاهدند، و خداوند آنان را برگزیده و در دین بر آنان سختی قرار نداده، همان که دین پدرشان ابراهیم است؟ فرمود: از این جمله فقط سیزده نفر قصد شده و هیچ کس دیگری از امت قصد نشده است... من و برادرم و یازده نفر از فرزندانم. (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۶۴۷/۲ و ۸۵۵؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ۸۸/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۹۱/۱) و همه تصدیق‌کننده این مطلب است که مصداق واقعی آیه، نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

آنچه از نص آیه به دست می‌آید؛ راکعین افرادی اند با این ویژگی‌ها: متواضع که درجات عبادت و بندگی را خالصانه به جامی آورند، در خیرکوتاهی نمی‌کنند، اهل مجاهده و تلاش در غلبه بر هوای نفس اند. مسلماً برترین درجه عبودیت، خاص معصومین علیهم السلام است که شاهد بر اعمال مؤمنان اند.

از دیگر آیات مورد بحث که در وصف ائمه معصومین است: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الرَّكَعُونَ السَّاجِدُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (التوبه/۱۱۲) گویا آیه شریفه در وصف مومنان پرسیده است: مؤمنان که بشارت داده شده‌اند چه کسانی هستند؟ جواب فرمود: توبه‌کنندگان. یعنی توبه‌ای که به دست جانشینان خدا جاری می‌شود؛ آنان که از بندگی نفس‌هایشان درآمده و در بندگی مولایشان داخل شده‌اند و هر کمال و جمالی را از خدا مشاهده کرده‌اند، که حمدحقیقی همان است، و خدا را طبق اعتقاد و شهودشان به کمال و جمالش ذکر می‌گویند؛ در اراضی عالم صغیر و عالم کبیر سیاحت می‌کنند و نهایت خضوع و تذلل در مقابل معبود را دارند و نسبت به اهالی عوالم خودشان یا نسبت به اهل عالم کبیر، پس از استکمال اهالی عوالم

خودشان و فراغت از آنها، امر به معروف و ناهی از منکر هستند. (سلطان‌علی‌شاه، ۲۸۱/۲) این صفات شریفه، صفاتی است که ایمان مؤمن با آنها تمام و کامل می‌شود و با داشتن آنها مستوجب وعده قطعی خدایه بهشت می‌گردد. (طباطبایی، ۳۹۶/۹) و آن وعده، خرید جان و مال مومنین به بهای بهشت است (التوبه/۱۱۱).

در مورد آیه (توبه/۱۱۲) امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه برای اهل بیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و هرکس که آنها را تبعیت کند، به سوی خیر خوانده می‌شود. همچنین از امام علی علیه السلام در مورد آیه فرمود: «أَنَّ الْمُرَادَ بِالْآيَةِ الرَّجُلُ يُقْتَلُ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْتِهَانِ عَنِ الْمُنْكَرِ». (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۸۶/۲). آن چه مسلم است؛ ائمه معصومین همگی در مسیر امر به معروف و نهی از منکر به شهادت رسیدند و اولین شهید این راه حضرت زهرا علیها السلام بود. روایت دیگری نیز از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «... نحن الصلاة في كتاب الله عزوجل ونحن الزكاة ونحن الصيام ونحن الحج. ونحن الشهر الحرام ونحن البلد الحرام ونحن كعبة الله ونحن قبلة الله ونحن وجه الله، قال الله تعالى: فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ. ونحن الآيات ونحن البيئات». (قمی، ۴۰۶/۲) از امام صادق علیه السلام است که آیه شریفه (توبه/۱۱۲) در شأن ائمه طاهرين نازل شده و شاهد بر این مدعا آن است که خدای تعالی در این آیه آنها را به صفتی می‌ستاید که آن صفات در غیر ائمه معصومین یافت نمی‌شود: «وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ۱۷۳/۳) قمی نیز معتقد است آیه شریفه در حق ائمه معصومین نازل شده است. (قمی، ۱۰۹/۱) زیرا در میان تمام مردم، فقط ائمه علیهم السلام طاهرين عالم بر این امور هستند.

در آیه ای بعد خدای تعالی امر به برپایی نماز و پرداخت زکات دارد و در ادامه دستوره رکوع می‌دهد: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (البقره/۴۳) اما این دستوره به یهود مدینه بوده است، مبنی بر این که نماز جماعت را با مسلمانان برپا دارند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱۳۳/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۳۸۵/۱). طبق سیاق آیات خدای تعالی آنان را به پذیرش اسلام و وفای به عهد و ایمان به آنچه تصدیق کننده بین آنان و مسلمین باشد، دعوت می‌فرماید: (البقره/۴۰). گفته شده عهدی که آنان باید پیروی می‌کردند، پیروی از آیین محمد صلی الله علیه و آله بود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۰۸/۱). در دستورات بعدی باز بر این مسئله تاکید

می‌فرماید: «وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (البقره/۴۲) یکی از موارد حقی که کتمان می‌کردند، نبوت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود.

در روایتی آمده است: «فی قوله وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاْكَعِينَ، ای کونوا فی امة محمد (صلوات الله علیه وآله) ومنهم» (میبیدی، ۱۳۷۱ ش، ۱/۱۷۱) و منظور از راکعین: «الذین سبقوکم بالإیمان» (بغوی، ۱۴۲۰ ق، ۱/۱۱۰) از ابن عباس روایت شده که «وارکعوا مع الراکعین» قطعاً در مورد رسول الله و علی بن ابیطالب نازل شده و آن دو، اولین کسانی بودند که نماز خواندند و رکوع کردند.» (کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۱/۵۹. بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ۲/۷۲۷). در حدیث مفصلی از امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام نیز آمده است که این آیات در حقانیت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام و پاکان خاندان اوست، که آن را یهود به خوبی می‌دانستند، ولی کتمان و پنهان می‌کردند. (حسن بن علی عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۴۰۹ ق، ۱/۲۲۸) باتوجه به سیاق آیه و روایات تفسیری چنین حاصل می‌شود که دستور «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاْكَعِينَ» خطاب به یهود است مبنی بر اینکه یادآوری شوند که مسیر و هدف همه ادیان الهی یکی است. اشاره به رکوع، اشاره ظریفی به یهود است که هم دعوت آنان به دین اسلام را دربردارد و هم تکامل ادیان را نشان می‌دهد. چون آنان نیز نماز بجا می‌آوردند، یا این تفاوت که نمازشان رکوع ندارد، همچنین اقتدای آنان به نبی اکرم و حقانیت آن حضرت را در پی دارد، ضمن اینکه می‌رساند، یهود از راکعین نبودند.

راکعین از چنان مقامی برخوردار بودند که خدای تعالی به پیامبر بزرگ خود حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام دستور می‌دهد: «... أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (الحج/۲۶) خانه را از هر ناپاکی و رجس خالی کن تا برای... راکعین و ساجدین، آماده باشد. نظیر همین دستور، در (البقره/۱۲۵) نیز آمده است، البته بعد از آن بود که خدای تعالی حضرت ابراهیم را به مقام امامت رساند (البقره/۱۲۴) در مورد مقام امامت حضرت ابراهیم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا، قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا، قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا، قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ إِمَامًا.» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ۹/۱۲۴) این مسئله نشان

می‌دهد راکعین از چنان مقام والایی برخوردار هستند که حضرت ابراهیم با آن شأن و مقام والا که پس از ابتلائات گسترده بدان رسید، مأمور شد خانه‌ای را که خدای تعالی به خود نسبت داده، برای آنان از هر رجس و پلیدی مادی و معنوی طاهرگرداند. ضمن اینکه آیه شریفه بهترین مکان برای رکوع را نیز معین می‌کند. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که منظوریه: «أَلْ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)» است. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۸۷۰/۳، قمی مشهدی، ۱۲۴/۹) و همه آنچه در تدبر آیات قبل به دست آمد، مؤید همین مطلب است.

اما آیه‌ای که نزول آن را قریب به اتفاق محدثان و مفسران در شأن امام علی علیه السلام می‌دانند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة/۵۵) آیه مبارکه سخن از ولایت و سرپرستی خدا و رسولش و شخص سوم را به میان آورده است که به نظر اکثر مفسران شیعه و سنی شخص سوم امیرالمومنین علیه السلام است. (زمخسری، ۶۴۹/۱؛ رازی، ۳۸۳/۱۲؛ قرطبی، ۲۲۱/۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱۳۲/۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۴۸۶/۱) بنابراین آیات ۵۶ و ۵۵ سوره مائده با دلایل متقن و طبق نظر اکثر مفسران در شأن امام علی علیه السلام نازل شده و متضمن تنصیص بر ولایت و خلافت آن حضرت است. آیه شریفه در بین آیاتی قرار دارد که نهی از ولایت اهل کتاب و کفار دارد. با تدبر در این آیات می‌توان خصوصیات ولی و پیشوا و مقتدا را به دست آورد. بنابراین؛ امیرالمومنین علیه السلام به عنوان مصداق واقعی راکعین و مقتدا و پیشوایی است که هر کس خدا و رسولش را به عنوان ولی و سرپرست قبول دارد، باید به او اقتدا کند.

در آیه مبارکه: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/۴۳) در سیاق آیه از مصداق "راکعین" و یا خصوصیات آنان سخنی به میان نیامده است. از جهتی در آیه قبل، خداوند در مورد حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۴۲) یعنی آن حضرت به مقامی رسید که ملائکه با او سخن می‌گفتند و به او بشارت دادند که خداوند تورا برگزید و طاهرو پاک گرداند، به عبارتی او را به مقام عصمت رساند و بر تمام زنان جهان برتری داد. حال با این اوصاف در آن زمان، حضرت مریم علیها السلام به چه کسانی باید اقتدا می‌کرد که والاتراز آن

حضرت باشند؟ درجایی که حتی کفالت آن حضرت را به کسانی که در معبد به عنوان پیشوایان دین بودند و درباره تکفل وی با یکدیگر نزاع داشتند، نسپرد. از طرفی حضرت زکریا نیز از انبیاء بنی اسرائیل و آیین او یهود بود و یهودیان در نمازشان رکوع ندارند. هرچند واژه راکعین جمع است و منظور از آن نمی‌تواند حضرت زکریا باشد.

با جمع بندی دلایل ذکر شده در مورد راکعین، به طور متقن و موثق می‌توان ادعا کرد؛ "راکعین" در آیه شریفه نیز مانند آیات قبل، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند و چون خطاب آیه به مریم مقدس علیها‌السلام بوده، کاملاً واضح است که اقتدای آن حضرت به عنوان یک بانو، به "حضرت فاطمه علیها‌السلام" بوده است و واژه "راکعین" از باب تغلیب مذکر آمده است. یعنی حضرت مریم - با تمام صفات نیک و کمالاتی که از او در قرآن کریم ذکر شده و بر زنان جهان برتری داده شده است - باید به حضرت زهرا به عنوان الگویی کامل در تمام ابعاد زندگی و وجودی اقتدا کند.

با اثبات این ادعا هیچ شکی در پیشوایی و برتری حضرت زهرا باقی نمی‌ماند. اما حضرت زهرا چگونه و با چه کراماتی به چنین مقامی رسید؟ همچنین حضرت مریم دارای چه کراماتی بود که برگزیده خداوند بر زنان عالم قرار گرفت؟ ضرورت دارد صفاتی که بیان کننده کرامات و عزت نفس آن دو بانواست، در نگاهی هر چند کوتاه، بررسی و تحلیل شود تا راه گشایی برای جویندگان کرامت و همچنین تاییدی بر ادعای پیشوایی حضرت زهرا علیها‌السلام باشد.

۴. صفات دو بانوی کرامت

حضرت زهرا علیها‌السلام از مهم‌ترین شخصیت‌هایی است که در عقاید و فرهنگ شیعه جایگاهی محوری و مرجع ارتباطی بین نبوت، امامت و ولایت دارد. خود نیز به عنوان یک انسان کامل دارای مقام امامت است و حضرت مریم علیها‌السلام نیز به چنان مقام و کمالاتی رسید که خدای

۱. از آن جهت که خلق و خوی زنانه و مسئولیت‌هایی که در نظام خلقت بردوش آنان نهاده شده، ایجاب میکند زنان الگوی مطلق و اسوه‌ای بی‌بدیل از جنس خود داشته باشند تا بتوانند تمام آنچه عقول و عقلا از جنس "زن" انتظار دارند، در رسوم و سیره اخلاقی، فردی و خانوادگی و اجتماعی او بنگرند و از او پیروی کنند.

تعالی او را در بین تمام زنان عالم به عنوان اسوه برگزید و برتری داد. از امام صادق علیه السلام روایت شده: «لِفَاطِمَةَ علیها السلام تِسْعَةُ أَسْمَاءَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: فَاطِمَةُ وَالصَّادِقَةُ وَالْمُبَارَكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالزَّكِيَّةُ وَالرَّاضِيَّةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالزَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ: تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؛ فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ۲/۴۱۴) یعنی خدای تعالی خود، حضرت زهرا علیها السلام را، به این اسماء خواند. مسلماً کثرت اسماء و خصوصیات دلیل بر این است که شخص دارای مقامات متعددی است که در یک اسم و یک لفظ نمی‌گنجد. البته در این مجمل نمی‌توان به طور کامل به بیان مقامات آن حضرت پرداخت که این خود نیاز به نوشتاری مجزا دارد، بلکه تنها به چند صفت که جامع صفات را دربردارد اشاره‌ای کوتاه می‌گردد. البته تمام اوصافی که در مورد راکعین بیان شد آن حضرت به طور اتم و اکمل دارا است. در این نوشتار سعی بر آن است که اوصاف و کرامات آن دو بانو، بر اساس آنچه در قرآن کریم ذکر شده است بیان شود. هر چند تمام کمالاتی که در قرآن کریم برای حضرت مریم توصیف شده، به طریق اولی حضرت زهرا به آن متصف است.

سال بیستم، شماره ۷۹، تابستان ۱۴۰۲

۴-۱. مقام امامت

بنابراینچه بیان شد، حضرت زهرا امام و پیشوای حضرت مریم و در پی آن همه زنان عالمین است. البته به عقیده یکی از محققان؛ امامت و ولایت نیز به یک معنا بردو قسم است؛ امامت ملکی یا سیاسی و امامت ملکوتی یا تکوینی. مراد از ولایت ملکوتی، نوعی اقتدار و تسلط تکوینی است که با پیمودن صراط عبودیت و رسیدن به مقام قرب برای امام، به اذن الهی حاصل می‌شود و شخص با داشتن چنین قدرتی قافله سالار معنویات، مسلط بر ضمایر و شاهد بر اعمال و حجت زمان می‌شود. زمین هیچ‌گاه از ولی که حامل چنین معنویتی باشد، خالی نیست. ولایت به این معنا غیر از نبوت و غیر از خلافت و غیر از وصایت و غیر از امامت به معنای مرجعیت دینی و یا حتی زعامت سیاسی است. اساساً مسئله ولایت بدون قبول ولایت معنوی و تکوینی ولایت نیست. (مطهری، ۱۳۷۸، ش، ۹۹). همچنین، امامت ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ش، ۱/

(۱۴۱۱) و به این معنا، نوعی تصرّف تکوینی در نفوس است که بآن تصرّف، راه را برای بردن دلها به سوی کمال همواری سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۴۲۸/۱۴) هدایت امام نیز، از نوع هدایت به نحو ایصال به مطلوب؛ یعنی گرفتن دست خلق و رساندن به حق است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۴۱۱/۱). برخلاف امامت سیاسی که در یک زمان تعدد پذیر نیست، امامت ملکوتی تعدد پذیر و محقق است. حضرت زهرا علیها السلام به عنوان انسان کامل، امام به معنای زعیم سیاسی نبود، اما واجد مقام امامت ملکوتی و وجودی بود و هر آنچه در تعریف مقام امام گفته شده، او داراست.

بنابراین حضرت مریم بعد از برگزیده شدن و رسیدن به مقام عصمت و قبل از مادر پیامبر خدا شدن، دستور دارد به حضرت زهرا، که دارای مقام امامت ملکوتی بود اقتدا کند. ادعای گزافی نیست با تدبیری که در آیات انجام شد، گفته شود که مریم مقدس مقامات معنوی خود را در اقتدا به حضرت زهرا علیها السلام به دست آورد.

۴-۲. صدّیقه

از بالاترین صفات حضرت فاطمه علیها السلام "صدّیقه شهیده" است، به طوری که دیگر صفات تحت آن قرار می‌گیرند. صدیقه‌ای که شاهد اعمال امت است و در قیامت به آنها گواهی می‌دهد و به همین دلیل حتماً دارای مقام عصمت است. صدّیق: کسی است که همه اوامر خدا و نبی را بدون هیچ تردیدی تصدیق می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۵۶/۵)، صدق و راستی زیاد از او سرزده و ملکه است. و صدق خود را با عمل و کردارش ثابت و محقق می‌دارد. (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۴۷۹) چنین کسی جز حق تعالی را هم نمی‌بیند، پس او حقایق اشیا را می‌بیند، و حق می‌گوید و حق انجام می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۴۰۸/۴) بعد از مقام و رتبه نبوت، در فضیلت و علم، مقامی و توصیفی بالاتراز "صدّیق" بودن نیست، چنین فردی معارف را از انبیاء اخذ کرده و خود یک معیار برای آیندگان می‌شود.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنِ الْعُمَرِکِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ عليها السلام صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۵۷/۱) البته اکثر علما در شرح صفت "شهیده" در صدد اثبات نوع رحلت و شهادت آن حضرت هستند. به طور مثال (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۵۰۷/۸، لوامع صاحبقرانی)، در حالی که این صفت طبق آیه قرآن، در معنای گواه و شاهد آمده است.

رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۷۳/۱۰) کسی را صدیق می‌نامند که همه گفتار و رفتار و حالات و نیات و اراده‌های او بر اساس ملکه "صدق" صادر شود. (سبزواری، بی‌تا، ۵۴۸) قرآن کریم حضرت مریم را نیز با عنوان "صدیقه" یاد کرده است: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ...» (المائده/۷۵) صدیقه بود و آیات خدا را تصدیق می‌کرد و هنگامی که بشارتی از فرشته‌ها شنید و جبرئیل با او سخن گفت، آنها را تصدیق کرد، (رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۹/۱۲) در حالی که حضرت زکریا هنگامی که بشارت پدر شدن را دریافت کرد، از خدای تعالی نشانه‌ای خواست. (آل عمران/۴۱). شاید بتوان گفت حضرت زکریا به واسطه مقام مریم صاحب فرزند شد. (آل عمران/۳۷) اما حضرت زهرا علاوه بر صدیقه، دارای مقام شهادت نیز هست. شخصی که به "مقام عصمت" نرسیده باشد، در چنین مقامی قرار نمی‌گیرد. شاهدان اعمال در روز قیامت باید دارای ویژگی‌هایی باشند؛ «الف» اعمال را در ظرف تحقق آن یعنی دنیا ملاحظه کرده باشند و به استناد کلام دیگری نمی‌توانند شهادت دهند. ب) هم بر ظاهر عمل شهادت می‌دهند و هم بر باطن آن، زیرا شاهد کامل، شاهدهی است که از پوسته ظاهر بگذرد و به درون عمل نفوذ کند. ج) شاهدان اعمال باید از هرگونه خطا در مقام تحمل اعمال و سپس گواهی به آن مصون باشند، تا شهادت آنها کاملاً درست و واقعی باشد.» (دیوانی، ۱۳۷۶ش، ۳۱۶-۳۱۷) بنابراین یکی از والاترین مقامات حضرت فاطمه "صدیقه شهیده" است که سایر مقامات حضرت مثل طاهره، زکیه، مرضیه، مبارکه، محدثه و... تحت آن قرار می‌گیرد. همه این مقامات، نشان از شأن و کرامات والای حضرت در عرصه‌های مختلف زندگی دارد.

۳-۴. مقام عصمت

متکلمین معتقدند که عصمت، موهبت و تفضلی الهی است که خداوند پس از وجود زمینه و شایستگی به شخص معصوم می‌دهد و هرگز قابل تحصیل نیست. به بیان دیگر؛ عصمت لطف الهی است که تحت شرایطی که در سایه عبودیت خالصانه ایجاد می‌شود، به افراد معصوم داده می‌شود. به عبارتی: «العصمة تفضل من الله تعالى على من علم انه يتمسك بعصمته» (ر. ک، سبحانی، ۱۳۸۳ش، ۲۲/۵؛ مفید، ۱۳۸۸ش، ۶۱) در مورد حضرت

زهر را در صفت شهادت، مقام عصمت نیز به اثبات رسید، اما محکم‌ترین دلیل قرآنی در اثبات، آن آیه تطهیر (الاحزاب/۳۳) است، که خدای تعالی ایشان را از هرگونه رجس و آلودگی (راغب، ۱۴۱۲ق، ۳۴۲) طاهر و مبرّأ ساخت.

اما درباره حضرت مریم می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ...» (آل عمران/۴۲). ملائکه به آن حضرت خبر دادند که در نزد خدا چه قدر و منزلتی دارد و "اصطفاء مریم" تقبل او و تطهیرش مصونیت او به عصمت خدای تعالی از گناهان است. پس آن جناب، هم اصطفاء شده و هم معصوم است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۸۸/۳) از جهتی خود حضرت زمینه را آماده نمود و از طرفی تفضل خداوند شامل حالش گردید و او را طاهر و معصوم گردانید. اما عصمت، مراتب و درجاتی دارد و همه معصومین در یک درجه از عصمت قرار نمی‌گیرند.

۴-۴. عطیه الهی و آیت الهی

در مورد مقام والای حضرت زهرا یکی از بهترین آیاتی که می‌توان استناد جست، این آیه شریفه است: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (الضحی/۵) از بالاترین درجات محبت میان خداوند و بنده آنجا است که محبت خدا چنان شدید است که در مقام راضی کردن بنده محبوب خود برمی‌آید. مخاطب آیه شریفه، نبی اکرم (صلوات الله علیه وآله) است. سوالی که مطرح است؛ آن چه هدیه با عظمتی است که خداوند با اعطاء آن اشرف انبیاء خود را خشنود می‌نماید؟! در پاسخ باید گفت: در قرآن کریم فقط یک آیه وجود دارد که در آن مصداق «عطا» ی خداوند به پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله) ذکر شده است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (الکوثر/۱). کاملترین مصداق برای کوثر و خیرکثیر، وجود حضرت زهرا علیها السلام است؛ وجودی مطهر که «به غضب او خدای تعالی غضبناک و به خوشنودی او خوشنودی می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۶/۴۳) نبی اکرم در وصف دختر بزرگوارشان فرمودند: «اگر نیکویی به صورت انسانی درمی‌آمد، البته آن انسان فاطمه بود، بلکه او والاتراست. فاطمه دختر من، در اصل و تبار، والایی و بزرگواری برترین مردم روی زمین است.» (ابطحی اصفهانی، ۱۳۸۲ش، ۱۲۷/۱۱، ح ۲۲) با این اوصاف، حضرت زهرا علیها السلام عطیه الهی است.

خدای تعالی مریم و فرزندش حضرت عیسی را "آیت" و نشانه‌ای از عظمت خود می‌شناساند و می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً...» (المؤمنون/۵۰) و هر دو را به هم نسبت داده است که اشاره به تولد و بارداری خارق العاده ایشان دارد. همین افتخار برای مریم بس است که در این سوره نامش در زمره و ردیف انبیا آمده، با آنکه خودش از انبیا نبوده است.

۴-۵. بانوان عبادت و بندگی

از دیگر صفاتی که باعث کرامت و عزت شأن دو بانو گردیده، عبودیت آنان است؛ در عبادت و بندگی حضرت زهرا همین بس که از اسمای آن حضرت "راضیه و مرضیه" و طبق آیه شریفه دارای نفس مطمئنه است.^۱ این خود دلالت بر آن دارد که در زمرهٔ بندگان خاص خدا و حائز مقام عبودیت است. چنین کسی ذات و صفات و افعال خود را ملک مطلق پروردگارش می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۰/۲۷۵) نفس مطمئنه باشک مخلوط نمی‌شود با التفات به رب و انقطاع از غیر او، اطمینان می‌یابد (الوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵/۲۴۶) و خدای تعالی خود، او را در زمره بندگان محسوب دارد. (الفجر/۲۹) علاوه بر این که مصداق حقیقی و واقعی آیه شریفه (النور/۳۶) وجود مبارک حضرت زهرا و امام علی و فرزندان ایشان علیهم‌السلام است. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴/۷۶؛ قمی مشهدی، ۹/۳۱۸) نه خانه‌های خشت و گلی. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۴/۷۵) اینان مردمانی‌اند که در عین اینکه بین مردم زندگی می‌کنند و به کسب و کار می‌پردازند، اما در پرتو نور ایمان و معرفت، هیچ عامل بازدارنده‌ای آنان را از یاد و عبودیت خدا باز نمی‌دارد. (النور/۳۷). روایات فراوانی که در مورد عبادت آن حضرت وجود دارد، همه دلیلی بر این ادعاست.

در عبادت حضرت مریم، این مهم در نامگذاری ایشان نیز لحاظ شده است: «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ...» (آل عمران/۳۶). کلمه مریم؛ «در لغت آن شهر، به معنای زن عابد است.» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۱۱/۹۲) به نقل از تاریخ ابن الوردی، ۱/۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳/۱۷۲) در عبودیت حضرت مریم، همین بس که مادرش نذر کرد او را برای خدا "محرّر" نماید: «ما فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» (آل عمران/۳۵) آزاد شده از تعلقات دنیا، بلکه تنها متوجه عبادت خداوند و خدمت

۱. يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (الفجر/۲۷-۳۰)

بیت المقدس باشد. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۷۶/۲) هم نام او عابد بود و هم از همان ابتدا در راه عبادت و بندگی خدا از هر قید و بندی آزاد شد و طبق آیه (آل عمران/۳۷) دائماً در حال عبادت در محراب بوده است. این دوام در عبادت، به گونه‌ای است که خدای تعالی او را در زمره "قانتین" به شمار می‌آورد به دلیل پاسخی که آن حضرت در تعجب حضرت زکریا می‌دهد: خدا هر کس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد، این نهایت عبودیت مریم را می‌رساند که همه چیز را از خدا می‌بیند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ما من عبادة أفضل عند الله من عفة البطن والفرج»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۲۶/۳) عفت و پاکدامنی هر دو بانوی کرامت، زبان زد خاص و عام بود تا جایی که ایشان را مطهره نامیدند.

۴-۶. طهارت و پاکدامنی

بر اساس آیات قرآن، عفت مهمترین عنصر برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران و مایه فضیلت و احترام اوست. برای مقام والای زن تنها دین نیست که او را به عفاف و پاکدامنی فرامی‌خواند، بلکه این ندا از درون آدمی نشأت می‌گیرد، که دین نیز آن را تایید می‌کند. غیرت، جوانمردی و کرامت نفسانی همگی انسان را به عفاف دعوت می‌کنند به گونه‌ای که «عفت و پاکدامنی اصل جوانمردی است». (لیثی، ۱۳۷۶ش، ۳۳) علاوه بر این، هویت انسان در سایه قوام عفاف آشکار می‌گردد.

از اسماء حضرت زهرا "الطاهرة، المطهرة، الزکیة" را می‌توان بر شمرد که همگی دلالت بر پاک‌ی و طهارت باطنی و ظاهری آن بانوی کریم دارد. از آیاتی که دلیل محکمی بر طهارت خمسه طیبه با محوریت حضرت زهرا دارد، آیه تطهیر است (الاحزاب/۳۳) خدای تعالی با اراده تکوینی خود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۱۶/۱۶) هر گونه شک و گناه (راغب، ۱۴۱۲ق، ۴۴/۲) و پلیدی و هیأت‌های خبیثه و رذیله را به وسیله وارد کردن مقابل آن یعنی اعتقاد و عمل به حق، از نفس شما زایل کند. (طباطبایی، همان) یعنی آن بانوی گرامی از لحاظ وجودی دارای مقام "طاهره" و "مطهره" شد.

خداوند، مریم دختر عمران را زنی پاکدامن و عقیف می‌خواند و بر این صفت او دوبار در آیات: (التحریم/۱۲) و (الانبیاء/۹۶) تاکید می‌فرماید. این آیات شامل تمجید حضرت

مریم به داشتن عفت و صیانت است. آن حضرت از لحاظ ملکه عفاف، یا هم سطح یوسف صدیق است که خدا از او به عنوان عبد مخلص یادکرد (یوسف/۲۴) یا از اوبالاتر است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «کاد العفیف ان یكون ملکاً من الملائكة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴) و عفاف باعث کرامت و وقار شخص می‌شود.

۴-۷. حجاب حضرت زهرا و حضرت مریم علیهما السلام

حجاب یکی از راهکارهای حفظ عفاف در جامعه است که یکی از مهمترین شاخصه‌های مهم کرامت زن محسوب می‌شود. در مورد حجاب حضرت زهرا علیها السلام به طور خاص در قرآن کریم آیه‌ای وجود ندارد، اما می‌توان به روایاتی در این مورد استناد جست. به عنوان نمونه در ابتدای خطبه فدک در مورد نوع پوشش آن حضرت آمده است: «لَأَتَتْ خِمَارَهَا عَلَي رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱/۹۸) یعنی در پوششی بر اساس آیات (نور/۳۱) و (احزاب/۵۹)، و در میان گروهی از بانوان به سمت مسجد حرکت کرد. همچنین روایاتی در مورد پوشش حضرتش در نماز رسیده که شامل درع و خمار بود. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۴/۴۰۵) حجاب آن بانو در مقابل نابینا قابل توجه است (ابطحی اصفهانی، ۱۳۸۲ش، ۱۱/۲۷۶) حجب و حیای حضرت تا حدی بود که حتی نگران پوشش بعد از شهادت هم بودند، مبادا هنگام تشییع، حجم بدن مبارکشان مشخص شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۸/۳۸۲) آن حضرت خوشنود شد از اینکه در تقسیم کارها انجام امور خانه به ایشان واگذار شد تا با مردان نامحرم روبرو نشوند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۳/۸۱) این خوشحالی و آن نگرانی‌ها نشان دهنده شدت توجه آن حضرت به مسئله حیا و پوشش در تمام لحظات زندگی است.

در مورد حضرت مریم، واژه "حجاب" در آیه شریفه: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا...» (مریم/۱۷) واژه عام است. روشن نیست برای اعتکاف و عبادت معبود است از ناحیه عابد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۴/۳۵)، یا حائلی است میان خود و افراد اجتماع، یا برای تطهیر و شستشوی خویش است. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ۲/۳) به هر حال امری شایسته و نیکوست. کسب عزت و عفت مندی اختیاری، «... وَ لَمْ يَمَسَّ سِنِي بَسْرٍ وَ لَمْ أَكُ بَغِيًّا» (مریم/۲۰) همیشه

سبب نزول الطاف الهی به جمیع جهات می‌شود. در هر صورت این حجاب در هر معنایی گرفته شود، از حیاء و پاکدامنی حضرت سرچشمه می‌گیرد. در کتب مقدس و قرآن کریم، مطلبی در مورد نوع پوشش حضرت مریم نیامده است؛ اما با توجه به اینکه ایشان در ابتدای امر به آیین یهود بود و بعد به آیین مسیحیت درآمد و طبق آنچه در کتب تاریخ آمده: «در مسیحیت حجاب امری معمول و مورد تأیید است. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قدمی فراتر از آن نهاد؛ در شریعت یهود تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس شمرده می‌شد. اما در مسیحیت، مجرد مقدس شمرده شد؛ از این رو، برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج جنسی، زنان به رعایت عفت کامل و دوری از هرگونه آرایش، به صورت شدیدتری فراخوانده شدند. البته در تعالیم مسیحیت تأکید بیشتر بر ترک عموم لذات دنیوی و از بین بردن شهوت است؛ از این رو، رهبانیت در قرن چهارم و پنجم در این آیین به وجود آمد. زنان راهبه مسیحی با رعایت عفت کامل و حجاب، مشغول خدمت به مردم شدند. در انجیل بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است.» (دورانت، ۱۳۷۷ ش، ۱۳/۴۹۸-۵۰۰) در انجیل در باب تکالیف مومنین می‌خوانیم: «زنان پیر در سیرت متقی باشند... تا زنان جوان را بیاموزند که... خرداندیش، عقیفه، خانه‌نشین، نیکو و مطیع شوهران خود باشند.» (رساله پولس به تیطس، باب دوم، جملات ۳-۶) همچنین «دستورات دینی پاپ و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آن‌ها در آئینه و سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دست‌بند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود.» (دورانت، همان).

۴-۸. برترین بانوی جهان

کلمه "اصطفاک" در آیه مبارکه: «... يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۴۲) خطاب به مریم مقدس، تکرار شده؛ یک بار به طور مطلق و به دلیل تسلیم محض بودن آن حضرت در مقابل باری تعالی، بار دوم برای برگزیدگی او نسبت به زنان عالم. این خودگواه بر این است که آن جناب، بهترین و باکرامت‌ترین شخصیت

زن در جهان بوده و همتایی برای آن حضرت وجود نداشته است. بعد از بیان این صفات حضرت و برتری دادن ایشان بر تمام زنان جهان، خدای تعالی به او دستوراتی می‌دهد. مفسران معتقدند آیه ۴۳ نتیجه آیه قبل است. یعنی؛ "اقتنی" به خاطر "اصطفای" اول است. "اسجدی" به خاطر "طهرک" و "ارکعی" به خاطر "اصطفاک علی نساء العالمین". اما در این مرحله می‌فرماید: "مع الراكعين" بعد از این مراحل و این آمادگی بود که خداوند به او بشارت فرزندى را می‌دهد. (آل عمران/۴۵) یعنی مریم مقدس با تمام این صفات کمالیه که در قرآن کریم برای او بیان شده است، باید به الگو و پیشوایی کامل تراز خود یعنی حضرت فاطمه علیها السلام اقتدا کند. زیرا زین پس علاوه بر الگوی کرامت و عفاف بودن، قرار است حامل فرزندى شود که پیامبر زمان خود است؛ فرزندى که در آینده - بنابر آنچه در روایات معصومین آمده - قرار است یار و پشتیبان فرزند حضرت زهرا باشد.

۹-۴. حضور اجتماعی

اما با نگاهی در زندگی حضرت زهرا علیها السلام دیده می‌شود ایشان، از همان سالهای اولیه بعثت با وجود سن کم در عرصه‌های مختلف اجتماعی آن روز حضور فعال داشت؛ در دفاع از پدر در مقابل آزار و اذیت‌ها، مشارکت حضرت در پدیده تاریخ ساز هجرت، حضور در صحنه‌های جنگ به عنوان پرستار مجروحان، غذارسانی به رزمندگان، حضور بر بالین شهدا، شرکت در تشییع آنان و دیدار با خانواده آنها همراه فرزندان بزرگوارشان، حضور ایشان در فتح مکه، مشاورت مشکلات بانوان و پاسخ‌گویی به سوالات فقهی و اعتقادی آنان. همگی این موارد حکایت از جایگاه اجتماعی آن بانوی عفاف و کرامت دارد.

حضور حضرت زهرا در تاریخ صدر اسلام غیر قابل انکار است. فعالیت‌های حضرت کاملاً داوطلبانه، هدفمند، آگاهانه و با قدرت بود. همه دغدغه‌هایشان زنده نگه داشتن و گسترش اسلام و سنت نبوی و ساماندهی جامعه اسلامی در کنار پیامبر و پس از ایشان بوده است. از آن جمله؛ حضور در مباحثه به عنوان فردی مستقل، داوطلب و موثر، یار و

۱. «به امام صادق علیه السلام عرض کردند: ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: او پنجمین از فرزندان پسر مویس است. او فرزند سرور زنان است... و روح الله عیسی بن مریم علیها السلام فرود آید و پشت سر او نمازگزار و زمین به نور پروردگارش روشن شود...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۱/۷۱)

پشتیبان همسر در تمام فعالیت‌های اجتماعی، پس از سقیفه اهم فعالیت‌های حضرت زهرا جنبه اجتماعی داشت. جمع‌آوری گروه همفکران، گفتگو و اعتراض به غاصبان در قالب خطبه در مسجد النبی، ملاقات با حاکم وقت و اعتراض به غصب فدک، گریه‌های فراوان در فراق پدر، حضور مستمر بر مزار پدر همراه فرزندان، حتی قهرایشان با غاصبان قدرت و در آخر وصیت حضرت مبنی بر تشییع و دفن شبانه و مخفی ماندن مزارشریفش، همگی نشان از اندیشه و سیره اجتماعی حضرت زهرا دارد. به بیان کلی سراسر زندگی حضرت در فراز و نشیب‌های صدر اسلام سپری شد، حتی نفس تولد ایشان پاسخ خدای تعالی به کافران و معاندین دین بود که سوره مبارکه کوثر بیان‌نگرایین موضوع است.

آن حضرت کارآفرین بود و فدک را خود اداره می‌کرد و درآمد حاصل از آن را در راه اسلام خرج می‌نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲۷/۲۹) جدا از اینکه با قناعت و تحمیل نکردن فشار اقتصادی بر همسر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۱/۴۳)، برداشتن بار اقتصادی از ناتوانان جامعه (انسان ۸-۹) به نوعی جهاد اقتصادی داشت. و همه اینها در کنار خانه‌داری، همسر داری و فرزندپروری در حد اعلای آن بود.

حضرت مریم نیز با اینکه محرر در بیت المقدس بود، اما به نوبه خود در اجتماع حضور داشت و در ترویج دین می‌کوشید. اما آنجا که پای دفاع از عفت و حریم خویش پیش آمد، با خود گفت: ای کاش قبل از این مرده بودم و به کلی فراموش می‌شدم. (مریم ۲۳). وزمانی که آن بانو خواست با فرزندگرامی خود بین مردم حاضر شود، خداوند جهت کاهش نگرانی او، فرمود روزه سکوت بگیرد. (مریم ۲۶) اما پیش از این، از فعالیت اجتماعی حضرت مریم، اطلاعی در دست نیست.

۵. نتیجه

به دست آمد؛

- مصادیق حقیقی و واقعی راکعین در قرآن کریم، پیامبر اکرم، حضرت زهرا و ائمه معصومین (سلام الله علیهم) هستند.

- در قرآن کریم، از زنان قدیس زیادی نام برده شده است که حضرت مریم عَلِیْهَا السَّلَامُ بر تمام

آنان برتری داشت و خدای تعالی خود او را برگزید. در بررسی واژه "راکعین" در آیات متعدد قرآن کریم، ثابت شد که حضرت مریم با تمام قدر و منزلتی که داشت، مأمور شد به حضرت زهرا علیها السلام اقتدا کند. و این ماموریت می‌رساند که حضرت زهرا بر تمام زنان عالم برتری دارد. - شناخت حضرت زهرا به عنوان؛ انسانی کامل در تمام ابعاد زندگی و الگو و پیشوایی با کرامت و عقیف، برای هر بانویی که قصد دارد نقشی فعال در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی داشته باشد و در عین حال، شأن و کرامت و عزت نفس خود را حفظ کند، لازم است.

- از جهتی این اقتدا و آن پیشوایی می‌رساند که مقصد همه ادیان الهی، دین اسلام است. بدین سان، خداوند زمینه را برای ظهور آخرین منجی، امام زمان علیه السلام، و گسترش دین اسلام در سراسر جهان مهیا نموده است.

فهرست منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه
کتاب مقدس

آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، جلد ۱۵، بیروت، دارالکتب العلمیه،
ابطحی اصفهانی، سید محمد باقر، عوالم العلوم والمعارف الاحوال، ۱۳۸۲ش، ج ۱۱، قم، موسسه الامام المهدی.
ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، معانی الاخبار، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الاعظم، ۱۴۲۱ق، جلد ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، جلد ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، جلد ۱ و ۸، بیروت، دار صادر.
امام علی بن موسی، امام هشتم، ۱۴۰۶ق، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵، البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۲ و ۳، قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیه.

بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶ش، تفسیر جامع، جلد ۳، تهران، کتاب خانه صدر.
بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، جلد ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، جلد ۴، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، ۱۳۹۱ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق درقرآن، جلد ۱۱، قم، نشر اسراء.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نورالثقلین، جلد ۲، قم، اسماعیلیان.
- حسن بن علی (امام یازدهم)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام، ۱۴۰۹ق، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح، جلد ۳، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت.
- دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ۱۳۷۷ش، ترجمه: احمد آرام و دیگران، جلد ۱۳، تهران، اقبال.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیوانی، امیر، ۱۳۷۶ش، حیات جاودانه، قم، معارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم.
- زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس، جلد ۱۷، بیروت، دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جلد ۴، بیروت، دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳ش، منشور جاوید، جلد ۵، قم، موسسه امام صادق.
- سبزواری، هادی بن مهدی، بی تا، شرح الاسماء، تهران، دانشگاه تهران.
- سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، بیان السعادة في مقامات العبادة، جلد ۲ و ۳ و ۴، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنی عشری، جلد ۲، تهران، میقات.
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۹، جوان و بحران هدایت، تهران، سروش.
- شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ق، فتح القدر، جلد ۵، دمشق، دارابن کثیر.
- صاوی، احمد بن محمد، ۱۴۲۷ق، حاشیة الصاوي على تفسیر الجلالین، جلد ۱۴، لبنان، دارالکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۳ و ۴ و ۹ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۸، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۶ و ۸، تهران ناصر خسرو.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، جلد ۱، مشهد، نشر مرتضی.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، جلد ۱۰ و ۱۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، جلد ۵، قم، نشر هجرت.
- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، جلد ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، **الجامع لأحكام القرآن**، جلد ۴ و ۶، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ ش، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ ش، **تفسیر کنزالذائق و بحرالغرائب**، جلد ۱ و ۲ و ۹، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، **اصول الکافی**، جلد ۱ و ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، **تفسیر فرات الکوفی**، جلد ۱، تهران، وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، **عیون الحکم والمواعظ**، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، **بحار الانوار**، جلد ۴۳ و ۸۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، جلد ۴ و ۱۱، بیروت، قاهره، لندن، دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸ ش، **آزادی معنوی**، تهران، صدرا.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، **التفسیر الکاشف**، جلد ۷، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، ۲۰۰۹ م، ۱۳۸۸ ش، **تصحیح الاعتقاد**، تهران، روشناهی مهر.
- مقاتل ابن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، جلد ۱ و ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲ ش، **نمونه**، جلد ۱۹ و ۲۲، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ ش، **کشف الاسرار و عدة الابرار**، جلد ۱، تهران، امیرکبیر.
- هالالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ ق، **کتاب سلیم بن قیس هالالی**، جلد ۲، قم، الهادی.